

سلام می‌خواهم درد و دل کنم

مطالبی را در مورد عدم شرکت در گردهمایی بلاگرهای زیست محیطی مطالعه نمودم و همچنین درست کردن سیرک در پردیسان واقعاً یادش به خیر

من این درد را همیشه فریاد می‌زنم و از اعماق وجودم می‌گویم یکی از دلایل اینکه وضعیت محیط زیست ما به فجاعت!!!!!! امروز رسیده اینه که بخشی از افرادی که در بطن کارهای محیط زیست هستند - واقعاً زیست محیطی نیستند - نه عشقش را دارند و نه تخصص را من ادعایی ندارم ولی حداقل تو این را بدان که عشق به محیط زیست یعنی اینکه من در سربازی به هم دوره ای‌ها و سربازان و پرسنل کادر علاقه مند و حتی فرمانده خودم در فضاهای دوستانه و صحبت‌های خودمانی و غیر رسمی یاد می‌دادم که مثلاً تفکیک زباله یعنی چه - کاشت درخت به چه درد می‌خوره - چرا اینهمه سیل میاد و

و یا اینکه افرادی را که هنوز فکر می‌کنند در لواسان شیر وجود دارد و یا توصیه به افراد مختلف که از ماهی‌های سد لتیان استفاده نکنند. چون آب سد آلوده به فاضلاب انسانی است و یا صحبت با فردی که در مسیری کوهستانی نزدیک تهران چند سال پیش گرگی را بی دلیل ماشین زیر گرفته بود و از بین برده بود و دهها مورد دیگر

و یا در محل کارم به دانش آموزان توصیه میکنم که برای مقالات و تحقیقات آزاد جهت همایش‌های علمی دانش آموزی در مورد مسائل زیست محیطی و حیات وحش و صنعتی شدن و آلودگی‌ها و تحقیق کنند که حداقل فرق بین پلنگ و یوزپلنگ را بدانند تا اینکه بدانند که چرا در این چندساله چرا سرطانه‌ها زیاد شده و یا بیماری‌هایی مانند ام اس - تا اینکه بدانند ما در ایران تمساح داریم - تا اینکه بدانند و بدانند و.....

اما همه اینها چه فایده که بارها و بارها جهت کار و فعالیت در زمینه‌های مختلف زیست محیطی و یا آموزشی از طرق مختلف و متنوع به سازمان محیط زیست و غیره و غیره مراجعه نمودم و بعد از مدتی که به دنبال خودسیاه فرستاده شدم عاقبت به دلیل ناچاری در گذران زندگی و کسب درآمد مجبور به فعالیت در زمینه‌های شده که با روح و روان و باطن من سنخیت ندارد - در حالیکه من و من‌ها بسیار زیادند که صد درصد عاشقند ولی نمی‌توانند در زمینه رشته تخصصی خود کار کنند البته فقط عاشق بودن کافی نیست اما می‌شود از نیروهای عاشق و دلسوز استفاده نمود و اینهمه اینک وضعیت محیط زیست - اگر دیگر چیزی به این نام وجود داشته باشد.

اما با همه اینها که گفتم
واقعاً یادش به خیر
امیر عباس همتی